

بِسْمِ

ش

# شجره نامه مبارکه

کتابخانه  
شکرالله مسرور  
شماره ۴۶

مطبوعه مطبع مصطفائی کمپارواڑہ کلی بی بی ۱۳۳۵ھ

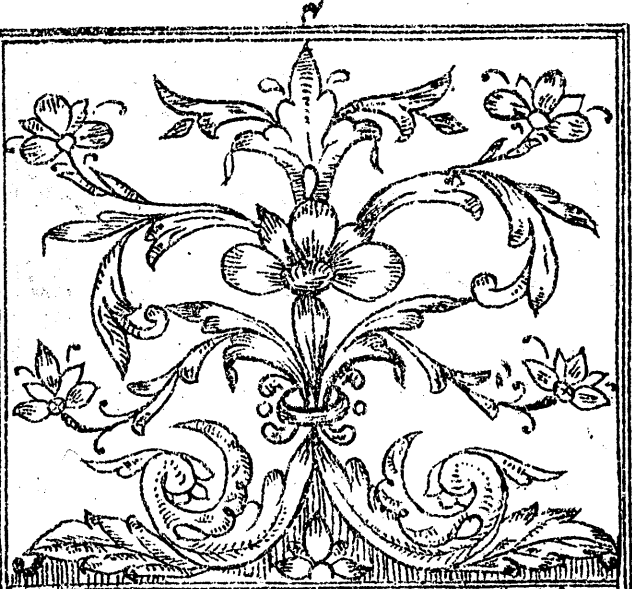


بنام مقصود عالمیان

سپاس و ستایش یگانه محبوب فردی نیازیرالای تق  
و سزا است که رجای این بنده ذلیل ناچیز را بفرست  
وجود اجابت فرمود در سینه هزار و سیصد و بیست و هجری  
فانی در ساحت اقدس مشرف بودم روزی از حضرت  
زین المقربین و جناب آقا محمد رضا قناد و جناب آقا  
میرزا محمود کاشانی رجای شجره نامه مبارکه جمال

مبارک

مبارک جل ذکره و ثناء نمودم حضرات مراتب  
بمخبر مبارک حضرت مولی الوری عبدالبهاء روح  
فداه معروض داشتند در جواب فرمودند بجناب  
ابو الفضل نبوسید لهذا حسب الامر مبارک علیه  
بوشنگتون عرض شد جوابی که از حضرت متصاعده  
الله ابو الفضل گلپایگانی بغانی خسرو بمان نرس آید  
رسیده است اینک مفضل خیریه بهائیان بیستی بر سر  
و گاهی طاهر اجبای الهی طبع نموده امید آنکه اجبای طهر  
نیز اصل شجره نامه مبارکه را در بلده نور بیاید  
و عاشقان جمال جانان منتشر نماید



بسم الله ذي العظمة والاجلال

روحی بجزتک الفدا شرحی در خصوص مشرف شدن  
فارسیان بدین بهائے آئین و استعدای بزرگ  
مهربان خسرو بمان در بیان نیاکان جمال رحمن مرقوم  
نوده بودید جسیبی الانجم این فانی در ایامیکه تقیم  
طهران بود بین بعضی از دوستان در تفسیر شعر  
ابی عبد الله شلمغانی گفتگوئی واقع شد و آن شعر اینست

یا طاباً من بیت همتی و جاهد امن بیت کسروی  
قد قاب فی نسبته عجمی فی الفارسی بحسب الزحمی  
و این شلمغانی در سنه هزار و دوست و هشت  
در بغداد با مرابن مقلد که از مشاهیر و زرای بنی عباس  
بود کشته شد خلاصه بعضی شعره که در ابشارت  
ظهور نقطه اولی جل ذکره الاغله دانستند زیرا  
فارسی که در شعر واقع است مصادق لفظ شیرازی  
گرفتند و بعضی دیگر آن را بشارت ظهور جمال قدس  
ابهی حلت عظمه دانستند چه که شلمغانی منکر شده که  
ظهور حضرت موعود از بیت بنی هاشم باشد و بصراحت  
خبر داده که آن نور ابهی طلعت نور از بیت کسری  
طالع شود پس ثابت است که مقصود بشارت ظهور  
جمال قدم است نه حضرت باب اعظم و چندی قبل

از این فقره نیز عبارت کتاب دستیر بنظر این فقیر  
 رسیده بود که فرموده و اگر ماند از همین چرخ کیم  
 برانگیزانم از کسان تو کسی را و آب و آئین را باور نم  
 و پیغمبری و پیشوایی از فرزندان تو برگیرم و در س  
 بشارت وارده در کتب پارسیان نیز فانی ملاحظه  
 نمود که بصراحت وارد شده که اینموبت پس از  
 گذشتن هزار و دویست سال داندی از ظهور دین اسلام  
 ظاهر شود یعنی قبل از آنکه تاریخ ظهور اسلام بیک هزار  
 و سیصد سال برسد آن نیز تا بناک از آن مطلع  
 پاک طالع کرد خلاصه باین ملاحظات فانی اذعان  
 نمود که سلسله نسبت عاقله نوریه بسلاطین فرس اولی  
 منتهی شود و بناء علی هذا مقصود مشعلغانی در شعر مذکور بشارت  
 ظهور جمال اقدس اهی باشد نه ظهور نقطه اولی و

چون

چون وثوق باین تصور بدون شهادت تاریخ معقول  
 نبود ناچار در تحقیق این سلسله بتاریخ طبرستان  
 رجوع نمود زیرا با عقاد مورخین پس از غلبه مسلمین  
 بر فرس و انقراض دولت ساسانیه بعضی از امیرزادگان  
 فرس بر بلاد مازندران استیلا یافتند و چند سلسله ملوک  
 از سلاله این طبقه مدتها می دیده در آن بلاد سلطنت کردند  
 از قبیل بادوستانیان که پس از خروج یزدجرد شهریار  
 از عاصمه ملک بشرجی که در حبیب التیر مذکور است بران  
 مستول شدند و آن ملک را از تسلط عرب محفوظ داشتند  
 و مقرر حکمرانی بادوستانیان مدینه آمل و مدینه بارفروش  
 و سایر بلاد مرکزیه طبرستان بودند و سلا بعد نسل  
 امارت آن بلاد باین سلسله تعلق داشت و از جمله  
 ملوک طبرستان آل زیاد است که اول ایشان

مرد او بیج بن زیاد بود در سنه ۳۱۵ هجری بر تبه امارت رسید  
 و باندک زمانه در سلطنت بلاد طبرستان استقلال  
 یافت و تقریباً یکصد و شصت سال در بیت آن زیاد  
 پاید و مقرر حکومت این سلسله مدینه کرکان یعنی جرجان  
 بود و نسبت ایشان بآل ساسان میرسد و شهر  
 ایشان عنصر المعالی کاوس بن شمیگر مرد او بیج بن زیاد  
 دلیلی است که الی زمانه کتاب قابوس نامه اش که  
 بعبارتی بس فصیح و متقن در فصیحیت فرزندش کیلان  
 شاه تألیف فرموده است مشهور جمیع آفاق است  
 و مقبول از واق رائقه علمای علم حنلاق و از جمله  
 ملوک طبرستان چه بعد از آن مازندرانند و این سلسله  
 را مورخین ملوک حقیقی مازندران دانند و نیز او را  
 را بانوشیروان عادل رسانند و محل اقامت

و تختگاه امارت این سلسله غالباً محال نور و کجور بوده  
 و هر امیری از امرای این طایفه با احفاد و اولاد در قلاع این  
 بلاد اقامت مینموده است و اهالی طبرستان چه از  
 صنف رعیت و یا ارباب ملک امارت بردنیت  
 زردشتیه باقی بودند تا آنکه در قرن ثالث هجری  
 داعی کبیر حسن بن زید علوی بر بلاد طبرستان  
 استیلا یافت و بنجم دولت علویه زیدیه از بلاد  
 شرقیه طالع شد در این وقت اهالی  
 طبرستان از صغیر و کبیر و غنی و فقیر بدون حساباً  
 و آراه بتائید این امیر کبیر بشرف اسلام مشرف  
 شدند و بجز ائمه هدی در مذاهب زیدیه معروف و  
 مشهور گشتند و امارت درین سلسله متواتر بود  
 تا طلوع بنجم دولت صفویه که امارت طبرستان

بامیر شهیر آقا رستم روز افزون تعلق داشت و او  
 از قبول ریاست شاه اسمعیل نکول نمود و باین  
 جهت رشته امارت این سلسله انقراض یافت و  
 جمیع این امراء بجهت ائمه هدی در رعایت و ترویج علم  
 و علماء معزوف بودند و کبار علماء با اسم سلطین  
 کرکان و طبرستان کتب نفیسه تألیف نموده و اکابر  
 فصحاء و شعراء قصاید غزآء در مدح سپهبدان مازندران  
 نظم فرموده اند از جمله منوچهری شاعر مشهور که از  
 شعرای قرن چهارم اسلام است مداح فلک المعالی  
 منوچهر بن شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بوده است و نام  
 تخلص مینموده و کذکک خاقانی معروف قصاید غزآء  
 در مدح سپهبدان مازندران نظم نموده و ظهیر فاریابی  
 مشهور با آنکه مداح متملق قزل ارسلان و متصلب

درند بهترین بوده است و یکی از قصائد بمجدوح خود  
 قزل ارسلان معروف داشته شاید که بعد از مدت  
 سی ساله در عراق نایم هنوز خسر و مازندران دهد  
 و در قصیده دیگر تعریضا میگوید

عزم آن کرده ام که بر بحسیم	سوی مازندران عنان سفر
که بوجه معاش نشیند	حب بو بگرد دوستی عمر

و خلاصه عرض آنکه چون مندی این تقریبات را  
 در تاریخ دید و ثوق یافت که شاید فانی بتواند  
 درست در نیایگان سدره منتهی و جمال اقدس انبی  
 بدست آرد تا اینکه برخی از اهل وثوق مذکور داشتند که  
 رضا قلینخان ملقب بامیر الشعراء در کتاب تراویح  
 مذکور داشته که نسبت سلسله علییه نوریه بملک عادل  
 نوشیروان منتهی میشود فانی ملاحظه نمود که در صورت

صحت این مستندی وثیق است چه که هدایت  
 با وجود انغماس در بحر ضلالت از مشایخ مورخین  
 ایران است و کتاب روضه الصفای ناصری از آثار  
 اوست که سالها رحمت کشیده و منظم و مرتب کتابی  
 شعیر را بدون اذن مؤلف سمت تبدیل و تفسیر  
 بخشیده است و ثانیاً هدایت از اعدای امر الهی است  
 چنانکه منخرقاتی که در ملحقات روضه الصفای تالیف  
 طبع نموده و الحق کوی وقاحت را در خستلاق و  
 خسر از مؤلف ناسخ التواریخ رچر بوده است  
 بر صدق این عرض شایدهی واضح است در این  
 صورت معلوم است که اگر در انساب عائله  
 مقدسه نوریه بنجر و عادل نوشیر و ان شکلی  
 ویربی بود او هرگز نمی نوشت و معروف نمی شد

و از حسن اتفاق در آن ایام در بیت یکی از اکابر  
 میقیمین طهران فدوی را با مرحوم مبرور جناب  
 حاجی میرزا رضا قلی اتفاق ملاقات افتاد  
 صاحب بیت با شاره فانی از ایشان استفسار  
 نمود که نسبت شما سلسله نوریه بکدام یک از عائله  
 شهیره ایران منتهی میشود جناب حاجی میرزا  
 رضا قلی فرمودند به زردجرد شهریار صاحب  
 مجد و جویا شد که در این خصوص مستندی مکتوب  
 هم در دست هست و یا آنکه لسان در میان اکابر  
 سلسله مذکور و محفوظ است و فرمودند به  
 نسب نامه در دست هست که فرمودند و افراد  
 اسماء و رسماً و شغلاً ترجمه هر یک از آباء  
 و اجداد این سلسله در آن مذکور است و اسم

هر یک تا برسد یزد و جزو شهر یاز مضبوط و مسطور  
 و از کلام ایشان چنین مستفاد می شد که نسخ این  
 نسب نامه متعدد است و نزد هر یک از کبار سلسله  
 و بنی اعمام ایشان موجود و با بجمه چون این مستند  
 بدست آمد فانی عریضه بساحت اقدس ایمی معروض  
 داشت و صورت اختلاف را در آن مقصد شریف  
 با بشارت بنویسند ملت فارسیه و شواهد تاریخیه در  
 آن عرض نمود لوح امنع اقدس اعلم که تاریخ آن  
 ۲۹۹۹ هجری بود در جواب وصول یافت در  
 آن لوح مقدس در خصوص مقصد از شعر شریف  
 این بیان از قلم رحمن نازل شده بود  
 قوله جل ذکره و نسا یا ابا الفضل قد منطقت با حق  
 و انظرت ما کان مسطوراً فی کلماته الی آخره از تفسیر

در همان سنوات جناب استاد جوان مرد رئیس مدرسه  
 فارسیان یزد و مدرس ایشان که از کبار کاتبان  
 فارسی محسوب بود عریضه بساحت اقدس معروض  
 داشت و از نسب مبارک استفسار نمود و در  
 جواب ابداً لوح مبارک شیر مرد عزت زول یافت  
 در آن لوح اقدس نازل شده است آنچه خلاصه  
 آن این است که در خصوص نیاکان پاک نهاد پرش  
 نموده بودید ابو الفضل گلپایگانی علیه بهائی در این  
 باب از نامه های اسمعیلی نوشته آنچه که آگاهی بخشید  
 و بر بینائی بیغزاید انتهی چون اصل لوح مبارک  
 حاضر نبود خلاصه آن عرض شد باری این خلاصه  
 رساله بود که فانی در بیان نسبت عائله مبارک  
 تالیف نموده بود و لے چون در یوم ۲۸ شهریور سال



سینه هزار و سیصد و هجرت فدوی و جمعی از اقبالیان  
 بامر نائب السلطنه کامران میرزا در طهران مانده و دست  
 جمیع کتاب و نوشتهجات اینفانی بتاراج رفت لذا  
 مسوده این رساله نیز بدست اعدا افتاد و محفوظ  
 شد و لے اگر ممکن شد با حسابی مانندان قوم دارند  
 ایشان نسبت نامه را بدست آورده بتوسط تجار فارسی  
 که در مانندانند بجهت آن محبوب ارسال دارند  
 بکمال است خدمت دوستان آن ارض عرض  
 خلوص و تحیت ابلاغ میدارم ادام الله ایام عمرکم  
 و محبتکم . شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۲۱ بوفضل کلیان

کتابخانه  
 شکر الله سرور  
 شماره ۴۶